

روزنه

نقش جوانان در سر نگونی دیکتاتور

یمن خوشخت

■ یک مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی عرب می‌گوید مهم‌ترین وجه تمایز انقلاب یمن نسبت به سایر انقلاب‌های منطقه این است که جوانان را به عنوان یک عامل جدید تحولات سیاسی و اجتماعی در این کشور معرفی می‌کند.این مطلب در تحلیلی تحت عنوان «یمن پس از علی عبدالله صالح» آمده است که تعدادی از پژوهشگران عرب آن را تهیه کرده و مواقع بر سر راه تحقق این انقلاب را بررسی کرده‌اند.مطابق این نوشته یکی از دستاوردهای مهم انقلاب یمن «عبور از مرزهای عشیره‌ای و گروه‌های مخالف سنتی و همکاری مسالمت‌آمیز و دقیق و متمدنانه جوانان برای ایجاد تغییرات مورد نظر در یمن است»

به گفته پژوهشگران این مرکز، جوانان یمنی نخستین کسانی هستند که خواستار ایجاد تغییرات و بهره‌گیری از خیزش انقلابی منطقه برای به وجود آوردن شرایطی شدند که بتواند جایگزین رژیم کنونی شده و صالح را با آرزوهای موروثی کردن حکومتش کنار بزند اما این خواسته درگیر ساختار سیاسی پیچیده یمن شده است که کاملاً با تونس و مصر تفاوت دارد. با این حال جوانان یمنی توانستند مفهوم سنتی قبیله‌ای را تغییر داده و به یک عنصر هماهنگ با ایجاد تغییرات تبدیل کنند و در نهایت آن را به عنصری مبدل سازند که همه شهروندان را زیر یک سقف گرد آورده و برای دست یافتن به یک خواست یعنی تحول دموکراتیک کشور به حرکت درآورند.این درحالی است که از مدت‌ها پیش احزاب سیاسی، نظام حاکم، ارتش و سازمان‌های دیگر، محور تغییرات در صحنه سیاسی داخلی یمن بودند. در واقع تاکنون کسانی در یمن حکومت می‌کردند که بتوانند گروه‌های طرفدار خود را در صحنه سیاسی به خصوص در سازمان‌های امنیتی و حزب حاکم یا در اقتصاد فاسد این کشور پیدا کنند اما اکنون مشاهده می‌شود که تشکلهای جوانان به میدان آمده و شعارها را تنظیم و تظاهرات را سازمان‌دهی می‌کنند و در به سیمینارها و گفت‌وگوها شرکت دارند. این نخستین جلوه‌های حضور تشکل‌های جوانان است که با عبور از محافل سنتی در عرصه سیاسی یمن خود را نشان می‌دهد.

بسه اعتقاد پژوهشگران این مرکز مطالعاتی، تشکل‌های جدید جوانان قادر خواهند بود بحران هویت در بین جوانان را حل کرده و به جای تعلق خاطر به هر چیز دیگر تعلق خاطر آنها را به وطن تعمق دهند. به این ترتیب یک وطن جدید مبتنی بر نظام، قانون و نهادهای جدید در حال شکل‌گیری خواهد بود که عدالت و حقوق شهروندی برابر در آن جریان خواهد داشت و به سمت پیشرفت و نوگرایی خواهد رفت. کشوری که قصد کرده است تا خود را از بار سنگین گذشته و عقب ماندگی‌های آن رها سازد. در این میان گرچه طرح شورای همکاری خلیج‌فارس یکی از تلاش‌های جدی برای دست یافتن به راه برون رفت از این بحران بود اما علی عبدالله صالح رییس‌جمهور یمن با لجابت و فریبکاری‌های خود این طرح را از بین برد. گرچه در حال حاضر برتری در توازن قوای داخلی یمن به نفع مخالفان نظام صالح است اما دخالت عربستان سعودی و آمریکا ممکن است راه را به سمت فرمول‌های میانجی‌گرانه بکشاند. به نوعی که به بهانه دور کردن کشور از یک جنگ داخلی بتواند وقایع را بین احزاب سیاسی، نیروهای سنتی و بقایای رژیم به وجود آورد. در این چارچوب، عربستان نگران آن است که انقلاب یمن پیروز شده و نوعی حکومتی جمهوری در این کشور پدید آید که در آن رهبران قبایل نقشی نداشته باشند. همچنین عربستان از انتقال دستاوردهای این انقلاب به کشور خود بیمناک است. به همین دلیل سعی می‌کند اوضاع را در یمن به نحوی جمع کند که به یک روند دموکراتیک منجر نشود. روندی که بدون پیامدهای منطقه‌ای نخواهد بود.

به گفته نویسندگان این تحلیل گرچه عربستان سعودی به صورت یکسان از رژیم حاکم و نیروهای مخالف به صورت مادی و معنوی و با ششویه‌های مختلف حمایت می‌کند که یکی از بارزترین وجوه آن حمایت از رهبران قبایل و عشایر است اما در همان حال با استفاده از همین عامل یعنی نفوذ قبایل جلوی هرگونه روند تغییرات عمیق در یمن را می‌گیرد. از این رو بقای علی عبدالله صالح در عربستان به منظور درمان از نمی‌توان سقوط رژیم یمن دانست زیرا هنوز اعضای خانواده او دست کم ۴۲ پست سیاسی و نظامی حساس را در این کشور بر عهده دارند. نخبگان سیاسی وابسته به صالح همچنان از طریق معاون او مشغول فعالیت هستند و حتی ممکن است در آینده نیز نقشی فعال در دولت بعدی داشته باشند.

تحلیلگران این مرکز وقوع نوعی جنگ داخلی در یمن را بعید دانسته و دلیل آن را پدید آمدن حالتی انقلابی در بین جوانان می‌دانند که خواستار تغییراتی دموکراتیک هستند و بر مسالمت‌آمیز بودن این روند همواره تأکید داشته‌اند. در این میان نباید فشارهای آمریکا را نیز نادیده گرفت که بر نخبگان حاکم بر این کشور اعمال می‌شود تا به دلایل امنیتی هر طور شده ثبات یمن را حفظ کنند و زمینه‌ای را به وجود نیاورند که با تشدید فعالیت‌های القاعده، این کشور به سمت ناامنی سوق پیدا کند. این تحلیلگران نوشته خود را با این پرسش پایان می‌دهند که باید دید در نهایت موضع جوانان نسبت به میانجی‌گری‌های آمریکا چیست و آیا آن را خواهند پذیرفت. به‌خصوص در شرایطی که برای آمریکایی‌ها مساله امنیت یمن از هر موضوع دیگری بیشتر اهمیت دارد.

منبع:الجزیره

حزب دموکراتیک خلق (Cumhuriyet Halk Partisi)

شرق: نخستین حزب در ترکیه پس از استقلال در سال۱۹۳۲، حزب جمهوری‌خواه خلق (chp) بود که به‌وسیله کمال آتاتورک بنیان گذاشته شد و تا ۲۳ سال، بدون اینکه رقیبی داشته باشد، اداره کشور را در دست داشت اما ظهور نخستین حزب مخالف در اواخر دهه ۴۰ میلادی، با عنوان حزب دموکرات که اعضای آن از حزب جمهوری‌خواه منشعب شده بودند، نقطه عطفی در تحولات احزاب سیاسی در ترکیه محسوب می‌شد. دخالت نظامیان در عرصه سیاست داخلی این کشور در اوایل دهه ۶۰ میلادی و ممنوع شدن فعالیت حزب دموکرات، موجب روی کار آمدن احزاب انتلافی، تعدد و تضعیف احزاب سیاسی شد. فعالیت‌احزاب سیاسی در ترکیه می‌رفت تا وارد مرحله تازه‌ای شود که دخالت مجدد نظامیان در سیاست و خارج کردن قدرت از دست سباسبیون در سال ۱۹۷۱، روند دموکراتیزاسیون را در ترکیه دچار تزلزل کرد. این روند ضعف احزاب و تشکیل دولت‌های انتلافی و شکننده بودن آنها و دخالت‌های نظامیان در حوزه سیاسی در طول دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی ادامه داشت ولی از سال ۱۹۸۲ برخی احزاب گذشته بار دیگر فعالیت خود را آغاز کردند. اکنون در ترکیه احزاب متعددی وجود دارد اما تنها چند حزب در مجلس دارای کرسی هستند. طبق آمار رسمی، در حال حاضر بیش از ۳۵ حزب سیاسی در ترکیه فعالیت می‌کنند اما احزاب مهمی که دارای وزن اجتماعی قابل توجهی هستند به تعداد انگشتان دو دست هم نمی‌رسند.
■ ■ ■

حزب جمهوری خواه خلق: (Cumhuriyet Halk Partisi)

این حزب نخستین حزب سیاسی ترکیه است که در سال ۱۹۳۲، به‌وسیله کمال آتاتورک تاسیس شد. نام اولیه حزب «فرقه خلق» بود که در سال ۱۹۳۵ نام کنونی یعنی حزب «جمهوری خلق» را برای خود برگزید. رهبری این حزب مدتی بر عهده اجویت بود و بعد از کودتای ۱۹۸۰ این حزب مجدداً فعالیت خود را در سال ۱۹۹۷ با رهبری ندیز بایکال از سر گرفت. این حزب در انتخابات سراسری سال ۲۰۰۴ با کسب ۱۹/۴ درصد آرا توانست ۱۶۷ کرسی در مجلس به دست آورد. این حزب سردمدار لایسیسم و کمالیسم در ترکیه بوده و همواره از حمایت نظامیان بر خوردار است. این حزب قدیمی‌ترین حزب سیاسی در جمهوری ترکیه و مهم‌ترین حزب چپ میانه این کشور است که گرایش‌های ملی‌گرایانه، سوسیالی دموکرات و لایبک دارد و در انترناسیونال سوسیالیست و حزب سوسیالیست‌های اروپایی عضویت دارد. این حزب در حال حاضر ۱۱۲ نماینده در مجلس ملی کبیر ترکیه دارد و حزب اصلی اپوزیسیون ترکیه است. رییس فعلی این حزب کمال قلیچ‌دار اوغلو است که تفکرات چپ‌گرایانه دارد. اساسنامه این حزب به همه چیز برای مردم، معاش، صلح، حقوق زنان، تولید و اولویت به منابع بزرگ و عدالت اجتماعی تأکید دارد.

حزب عدالت و توسعه

موسسان و اعضای ارشد کنونی این حزب از شاگردان نجم‌الدین اربکان، رهبر حزب اسلامگرای رفاه، فضیلت و سعادت بودند که در سال ۲۰۰۱ تا آن منشعب شده ولی همچنان عنوان اسلامگرایی را با خود یدک می‌کشند. حزب عدالت و توسعه در تاریخ ۱۱۴گوست (مرداد ماه) سال ۲۰۰۱ به رهبری رجب طیب اردوغان وارد صحنه سیاسی ترکیه شد. این حزب بلافاصله بعد از تشکیل اقام به توسعه کرد و با رشد سریع طی یک سال فعالیت‌ها و دفاتر خود را در سراسر ترکیه گسترش داد و هم‌زمان نیز شاخه زنان و جوانان حزب را فعال و اقدام به عضوایی در این دو شاخه کرد. حزب عدالت و توسعه بلافاصله در سال

شرق: جامعه‌ترکیه به عکس حکومت و قانون اساسی سکولار خود، جامعه‌ای سنتی است که گرایش‌های اسلام‌طلبانه در آن موج می‌زند. حزب عدالت و توسعه در واقع مولود این گرایشات اسلامی است که شاید پایدارترین دولت غیرانتلافی ترکیه پس از استقرار ترکیه مدرن است. در گذشته با توجه به رویکردهای سکولاری دولت‌ها و دخالت ارتش ترکیه در امور دولت‌ها، با توجه صیانت از میراث آتاتورک دولت‌هاچندان به خواست و گرایش مردم واقعی نمی‌نهادند. از این‌رو دولت‌ها با وزن کمی تشکیل می‌شدند که ائتلاف با گروه‌های همسو و غیر همسو را ناگزیر می‌ساخت و این دولت‌ها با گرایش‌های مختلف به زودی از هم فرو می‌پاشیدند و انتخابات زود هنگام به نوعی یک قانون نانوشته شده بود. حتی اگر دولتی هم می‌توانست با گرایش‌های اسلام‌طلبانه جایگاه خود را تثبیت کند، از دست زل‌زال‌های ارتش ترکیه در امان نمی‌ماند و با کودتایی تومار دولت مستقر در هم پیچیده می‌شد.

در سیاست خارجی، دولت‌های اینچنینی بدون توجه به کشور‌های همسایه و منطقه، نگاهی به سوی غرب داشته‌اند. ترکیه سالیان سال است که خواهان ورود به اتحادیه اروپاست که دولت‌های پیش از رجب طیب اردوغان بر همین اساس اولویت اصلی سیاست‌های خارجی خود را به این امر اختصاص داده بودند؛ امری که به زعم تحلیلگران منطقه‌ای بعید است با توجه به شرایط حاکم در ترکیه صورت پذیرد اما دولت اردوغان با یک جا به جایی آشکار در سیاست خارجی خود هم اینک یکی از بازیگران فعال منطقه شده است که برخلاف دولت‌های پیشین ورود به اتحادیه اروپا در حاشیه قرار گرفته است. حزب حاکم ترکیه با این رویه و رورودر قرار گرفتن

جهان

۳۵ حزب قانونی در ترکیه فعالیت می‌کنند

بازیگران صحنه سیاسی ترکیه



عکس: Reuters

به شمار می‌رفت. در دولت انتلافی که در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت، اعضای این حزب در دولت حضور داشتند. بعد از مرگ اوزال، مسعود ایلماز ریاست این حزب را بر عهده گرفت. در پی شبه کودتایی که در سال ۱۹۹۷ علیه دولت ائتلافی اربکان رخ داد، با مساعدت سران نظامی و سلیمان دمیرل رییس‌جمهور وقت، این حزب به ریاست دولت ائتلافی دست یافت ولی در انتخابات سال ۲۰۰۲ قدرت خود را از دست داد و با ۲/۵ درصد از آرا توانست هیچ کرسی را در مجلس به دست آورد. این حزب در سال ۲۰۰۹ با حزب دموکرات ادغام شد. ۱۳ کرسی از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دهند. این حزب در انتخابات ۲۰۰۹ تنها توانست ۲/۷۵ درصد آرا را به خود اختصاص دهد و از راهایی به مجلس بازماند. در سال ۲۰۰۴ با بولنت اجویت از رهبری این حزب کناره‌گیری کرد و جای خود را به یکی سئرز داد. این حزب در انتخابات ۲۰۰۷ با حزب chp ائتلاف کردند و این دو حزب با هم توانستند ۱۳ کرسی از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دهند. این حزب در انتخابات ۲۰۰۹ تنها توانست ۲/۷۵ درصد آرا را به خود اختصاص دهد و از راهایی به مجلس باز ماند. در این سال زکی‌سزر از سمت خود استعفا داد و معصوم تئوکر ریاست این حزب را به عهده گرفت. در این حزب گرایش‌های چپ بیشتر از جنبه‌های ملی‌گرایانه و سوسیالیتی‌سنگینی می‌کند.

حزب حرکت ملی (MHP):

این حزب یک حزب جنبش گرا و ملی‌گرا به رهبری ارسلان تورکیز است و پیوسته دنباله‌رو نظمیان و کودتاچیان بوده و در حال حاضر نیز «باغچه لی» رهبری حزب را به عهده دارد. این حزب وزن اجتماعی بالایی ندارد و تنها برای کسب چند کرسی در این انتخابات تلاش می‌کند. غیر احزاب فوق، احزاب و جریان‌های دیگری نیز در ترکیه فعال هستند که نقش چندانی در معادلات و مناسبات سیاسی ندارند و بیشتر دنباله‌رو احزاب اصلی هستند. در این خصوص می‌توان به احزابی همچون حزب عدالت، حزب بزرگ ترکیه، حزب کمیته وحدت ملی، حزب دموکراتیک، حزب چپ انقلابی، حزب کارگر مرد، حزب توده مردم، حزب دموکراسی ملی، حزب ملی سلامت، حزب رفاه اشاره کرد. این احزاب در انتخابات ترکیه بیشتر بازار گرم‌کن هستند و در بهترین حالت شاید عده‌ای از اعضای آنها در لیست انتخاباتی احزاب بزرگ‌تر قرار گیرند.

و جعلی با جغرافیای انسانی خاورمیانه از بین خواهد رفت. هم‌زمان با حفظ منافع ترکیه، همکاری این کشور با کشورهای دوست و همسایه خاورمیانه گسترش یافته و مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. حزب حاکم عدالت و توسعه بدون تفکیک دین و نژاد، مخالف خونریزی در خاورمیانه بوده و خواهان برقراری صلح همه جانبه است. بند آخر بیانیه در واقع اسرائیل را نشانه رفته است که همچنان مخالف صلح خاورمیانه است که به هیچ‌کدام از اصول بین‌المللی پایبند نیست. حزب عدالت و توسعه بار و در رو قرار گرفتن غیرمستقیم با اسرائیل هم این کشور را از یک متحد سابق محروم کرده و با این اقدام مورد قبول دولت‌های عربی و ضد اسرائیلی منطقه قرار گرفته است.

تحلیلگران می‌گویند، حزب رجب طیب اردوغان با این آتیه نگری با یک تیر دو نشان زده است. هم توانسته نقش خود را به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای حفظ کند و هم با روند عادی‌سازی ارتباطات خود با کشورهای همجوار و منطقه به توسعه اقتصادی خود بیندیشد. ترکیه‌با برخی از کشورهای خاورمیانه قراردادهای همکاری عالی استراتژیک امضا و لغو روایت کرده و تجارت آزاد و تأسیس مناطق آزاد مشترک و سرمایه‌گذاری مشترک را آغاز کرده است. ترکیه خواهان توسعه روند همکاری کامل با کشورهای منطقه خاورمیانه و تأسیس اتحادیه اقتصادی، تجاری و امنیتی با کشورهای منطقه است. این کشور با چشم‌انداز سال ۲۰۲۳ نظریه عبور از دروازه‌های جهانی دارد و طبق گفته وزیر امور تجاری و بازرگانی ترکیه در سال پایانی چشم‌انداز، این کشور یکی از ۱۰ کشور اقتصاد برتر دنیا خواهد بود. سیاست خارجی ترکیه و تعادل در حفظ روابط با دنیای غرب و شرق حافظ این هدف خواهد بود.

به شمار می‌رفت. در دولت انتلافی که در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت، اعضای این حزب در دولت حضور داشتند. بعد از مرگ اوزال، مسعود ایلماز ریاست این حزب را بر عهده گرفت. در پی شبه کودتایی که در سال ۱۹۹۷ علیه دولت ائتلافی اربکان رخ داد، با مساعدت سران نظامی و سلیمان دمیرل رییس‌جمهور وقت، این حزب به ریاست دولت ائتلافی دست یافت ولی در انتخابات سال ۲۰۰۲ قدرت خود را از دست داد و با ۲/۵ درصد از آرا توانست هیچ کرسی را در مجلس به دست آورد. این حزب در سال ۲۰۰۹ با حزب دموکرات ادغام شد. ۱۳ کرسی از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دهند. این حزب در انتخابات ۲۰۰۹ تنها توانست ۲/۷۵ درصد آرا را به خود اختصاص دهد و از راهایی به مجلس باز ماند. در این سال زکی‌سزر از سمت خود استعفا داد و معصوم تئوکر ریاست این حزب را به عهده گرفت. در این حزب گرایش‌های چپ بیشتر از جنبه‌های ملی‌گرایانه و سوسیالیتی‌سنگینی می‌کند.

حزب حرکت ملی (MHP):

این حزب یک حزب جنبش گرا و ملی‌گرا به رهبری ارسلان تورکیز است و پیوسته دنباله‌رو نظمیان و کودتاچیان بوده و در حال حاضر نیز «باغچه لی» رهبری حزب را به عهده دارد. این حزب وزن اجتماعی بالایی ندارد و تنها برای کسب چند کرسی در این انتخابات تلاش می‌کند.

غیر احزاب فوق، احزاب و جریان‌های دیگری نیز در ترکیه فعال هستند که نقش چندانی در معادلات و مناسبات سیاسی ندارند و بیشتر دنباله‌رو احزاب اصلی هستند. در این خصوص می‌توان به احزابی همچون حزب عدالت، حزب بزرگ ترکیه، حزب کمیته وحدت ملی، حزب دموکراتیک، حزب چپ انقلابی، حزب کارگر مرد، حزب توده مردم، حزب دموکراسی ملی، حزب ملی سلامت، حزب رفاه اشاره کرد. این احزاب در انتخابات ترکیه بیشتر بازار گرم‌کن هستند و در بهترین حالت شاید عده‌ای از اعضای آنها در لیست انتخاباتی احزاب بزرگ‌تر قرار گیرند.

حزب دموکرات (Demokratik partisi):

این حزب در واقع از ائتلاف چند حزب دیگر به وجود آمده است که مهم‌ترین آنها احزابی همچون حزب مام‌میهن و حزب راه راست هستند. حزب مام

میهن در سال ۱۹۸۳ توسط تورگوت اوزال تاسیس شد و از لحاظ سیاسی جزو احزاب راست و محافظه‌کار ترکیه

همگامی سنت با مدرنیته

با اسرائیل (کاری که دولت‌های پیش از آن پرهیز می‌کردند) نقش خود را در منطقه پررنگ‌تر از قبل کرده است، این کشور نسبت به بهار عربی بیکار ننشسته است و از روند دموکراتیزاسیونی که در منطقه در حال شکل‌گیری است به‌انحای مختلف حمایت کرده است.

این حزب در بیانیه جدیدی که قبل از انتخابات پارلمانی مجلس کبیر ترکیه صادر شد نسبت به این قیام‌ها حمایت کرد و با این آینده نگری می‌خواهد همچنان در منطقه نقش خود را حفظ کند. در بیانیه انتخاباتی عدالت و توسعه با توجه به قیام‌های مردم که



عکس: gettyimages

گزارش

جراحی بزرگ در سودان

■ هفته گذشته عمرالبشیر رییس‌جمهور سودان اعلام کرد برای مقابله با پیامدهای جدایی جنوب، برنامه‌های مبنی بر ریاضت اقتصادی طراحی و به اجرا گذاشته خواهد شد. قرار است نهم ماه آینده میلادی در سازمان ملل، دولت جدیدی به نام «سودان جنوبی» اعلام و به رسمیت شناخته شود. بشیر که در برابر حزب حاکم «حزب کنگره ملی» سخن می‌گفت، یادآور شد: جدایی جنوب آثار و پیامدهای منفی متعددی بر اقتصاد شمال خواهد گذاشت. وی گفت: سهم ما از نفت جنوب تمام خواهد شد و این مساله می‌تواند بر میزان تجارت خارجی ما اثر بگذارد زیرا درآمدهای نفتی بخش مهمی از درآمدهای نفت بود که از طریق صادرات نفت جنوب به دست می‌آمد.

پس از اعتراف به بحران اقتصادی، عمرالبشیر به راهکارهای پیش رو اشاره کرد که شامل توسعه مالیات‌ها و کاهش هزینه‌های عمومی خواهد بود. هرچند عمرالبشیر به جزئیات این طرح‌ها اشاره نکرد اما دکتر عبدالرحمان الخضر استاندار طرطوم در تکمیل حرف‌های او گفت: مجموع این اقدامات را باید یک جراحی بزرگ تلقی کرد که شامل برداشتن یارانه‌ها از کالاهای اساسی مثل بنزین و شکر و توقف واردات بعضی کالاهای غیرضروری است. زیرا درآمدهای ارزی کشور کاهش چشمگیری داشته است و در واقع به گفته او دولت به نسبت ۶۰ تا ۸۵ درصد از درآمدهای نفتی خود را از دست داده است که بخش عمده آن به عایدات نفت جنوب بر می‌گشت. نکته جالب‌تر اینکه عمرالبشیر در سخنان خود در ابتدای ماه فوریه گذشته و به منظور توجیه افزایش قیمت بنزین و شکر که اعتراضاتی را نیز به همراه داشت، گفت: مصرف شکر در کشور بسیار زیاد است. چون عده‌ای که دستشان می‌رسد، روزی دویار بستنی می‌خورند. بر مبنای این تحلیل اقتصادی ساده‌اندیشانه باید انتظار داشت که با فرارسیدن ماه رمضان، دولت سودانی‌ها را مجبور کند به جای نوشابه‌ای مانند «خلو مر» نوشابه‌های دیگری بنوشند که در آن طبق برنامه ریاضت اقتصادی از شکر استفاده نشده باشد. برنامه‌ای که به نظر می‌رسد از این پس حتی اجازه نهد که یک قاشق شکر هم در کم سودانی‌ها شیرینی کند.

در ادامه این اظهارات، استاندار طرطوم از طرح‌هایی سخن گفت که دولت برای نجات از پیامدهای منفی جدایی جنوب قصد اجرای آنها را دارد. یکی از این طرح‌ها ادامه تلاش برای کشف نفت در شمال به جای آن چیزی است که در جنوب از دست داد. همچنین دولت قصد دارد به جست‌وجوی منابع طبیعی مانند معادن برنجری. زیرا به گفته او «لان در کشور ما طلا در سطح زمین است» معنای این سخن آن باید باشد که اکنون شمال سودان در زیر نور خورشید برق می‌زند و سودانی‌ها هیچ کار دیگری نباید بکنند چرا اینکه از خانه‌های‌شان خارج شده و طلاها را جمع کنند یا به وسیله آنها مایحتاج خودشان از جمله شکر و بنزین را تأمین کنند. حتی با این طلاها می‌توانند کالاهای غیرضروری را که در کشور سیاه قرار گرفته‌اند به راحتی تأمین کنند. اگر بخواهیم به هر دلیلی این حرف را باور کنیم، باید پرسید: در طول این ۳۲ سال گذشته شماها کجا بوداید؟ چرا دنبال معادن نرفتید و این همه طلا را به امان خاوری زمین رها کردید؟ چرا کشاورزی را که طلای واقعی سودان و یک ثروت استراتژیک بود، اینطوب به خاک سپه‌اشانید؟

دولت از سال‌ها پیش سعی می‌کند زمینه‌های مردم را به زور از آنها پس گرفته و به بهای ارزانی خریده و سپس به سرمایه‌گذاران خارجی به قیضت چند برابر بفروشد. این کسب و کار پر درآمدی است که حزب حاکم در پیش گرفته است. کسانی که این روزها اعتراض می‌کنند به این خاطر است که چرا دولت اراضی آنها را تصاحب کرده است و بهای آنها را نمی‌پردازد. دولت سودان اگر به دنبال راهحلی واقعی و منطقی می‌گردد، بهتر نیست به جای فروش بی‌رویه اراضی سودان به سراغ همان احبای کشاورزی برود. بخشی از درآمدهای نفتی گذشته را در این زمینه سرمایه‌گذاری کند تا همان شعار «سودان سید غذای جهان» را که از بیجگی می‌شنیدیم و بسیاری تکرار می‌کردند، تحقق یابد؟ مبار محمداحسن رییس سابق بانک سودان (بانک مرکزی) در اظهاراتی که روزنامه «حریات» ماه گذشته منتشر کرد، اعتراف نمود اقتصاد سودان به خاطر تکیه یک جانبه بر نفت و سهل‌انگاری در مورد منابع اقتصادی دیگر به‌خصوص کشاورزی دچار خسارت شده است. وی هشدار داد که با جدایی رسمی جنوب و کاهش ناگهانی درآمدهای ارزی کشور سودان را به سمت یک قاعچه خواهد برد وی در همین حال اشاره کرد که سودان هم اکنون به میزان ۲۷ میلیارد دلار بدهکار است و در بین کشورهای افریقایی یکی از بدهکارترین کشورها به حساب می‌آید.

علاوه بر این مشکلات، سودانی‌ها به فسادی اشاره می‌کنند که یک مساله اساسی بوده و توانمندنی‌های کشور را در مرداب خود فرو می‌برد. به گفته آنان، فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی در دست افرادی است که به راس نظام نزدیکند. گفته می‌شود حتی جوانان وابسته به حزب حاکم در این‌باره به عمرالبشیر هشدار دادند. بحران اقتصادی اینک چون دیواری در برابر رژیم عمرالبشیر قرار گرفته است. هیچ جایی برای انکار یا حناسی آن وجود ندارد. دیگر نمی‌توان امیدوار کرد که این بحران زاینده یافته‌های مخالفان نظام است و حقیقت ندارد. بیهوده نیست که رفتار، هفته مقامات دولتی هم به آن ادعان می‌کنند و از آثار منفی جدایی جنوب سخن می‌گویند. حال آنکه تا چند ماه پیش از بیان چنین پیامدهایی با داشتند و می‌گفتند جدایی جنوب هیچ تأثیری نخواهد داشت و حتی آن را برای آینده کشور و مردم خوب می‌دانستند. جراحی بزرگی که استاندار طرطوم از آن سخن می‌گوید به محض اجرا با سایر مسایل در داخل و خارج گره خواهد خورد.

منبع:الشرق الأوسط